

«علوم و فنون ادبی (۲)» یازدهم-

درس اول:

«تاریخ ادبیات فارسی در قرن ۸ و ۷»

❖ زمینه‌های تغییر سبک (از خراسانی به عراقی) در زبان فارسی:

۱. برخی عوامل سیاسی و اجتماعی مثل روی کار آمدن حکومت‌های غزنوی و سلجوقی
۲. تغییر مرکز ادبی و سیاسی از «خراسان» به «عراق عجم»
- * سبک‌های «بینابین» و «آذربایجانی» از «سبک خراسانی» فاصله گرفتند و کم کم «سبک عراقی» پدید آمد.
- * سبک عراقی از اوایل قرن ۷ تا اوایل قرن ۱۰ به مدت ۳۰۰ سال سبک قالب متون ادب فارسی بود.

❖ تاثیر حمله مغول در قرن ۷:

- (۱) آسیب به نظام اقتصادی، کشاورزی و فرهنگی
- (۲) ویرانی خراسان (کانون فرهنگی ایران) و مدارس آن
- (۳) کشته شدن بزرگانی چون نجم الدین کبری، فریدالدین عطار و کمال الدین اسماعیل مداح، جلال الدین خوارزمشاه که شعری از او در مورد کشتار مغول بر جای مانده است.

❖ دلایل روی آوردن شعرا و نویسندگان به تصوف در قرن ۷:

- (۱) ویرانی بناها، آبادانی‌ها و بنیان فرهنگ و اخلاق با حمله مغولان
- (۲) مأیوس و منزوی شدن شعرا

☆ در اواخر دوره مغول، بساط حکومت آخرین خلیفه عباسی (المستعصم بالله) بر چیده و زبان عربی از رواج افتاد و زبان فارسی رونق بیشتری گرفت

* - دلیل نام گذاری سبک این دوره به عراقی این است

۱- بعد از مغول کانون‌های فرهنگی از خراسان به عراق عجم منتقل شد.

۲- شاعران و نویسندگان بزرگ این دوره غالباً از اهالی شهرهای عراق عجم (اصفهان، همدان، ری و اراک کنونی) بودند

❖ **حالی سستی و ناپسآمانی در وضعیت زبانی و ادبیات فارسی در قرن ۲ چه بود؟**

- ۱- متواری شدن دانشمندان و ادیبان
- ۲- از دربارهای ادب دوست و خاندان‌های فرهنگ پرور خبری نبود.

❖ **حوامل مثبتی که موجب رشد زبانی و ادبیات فارسی و اعتبار ادیبان در قرن هفتم:**

- ۱- انتقال قدرت از خراسان به مرکز ایران و گسترش آن در عراق عجم
- ۲- ایجاد زمینه‌هایی برای تغییر سبک از خراسانی به عراقی
- ۳- پدید آمدن قالب‌های شعری جدید

وضعیت شعر در قرن ۷

۱. نرم ودلنشین و برخوردار از معانی عمیق انسانی و آسمانی شد.
۲. غزل کم کم جای قصیده را به دلیل بی مهری شاهان به شعرا گرفت.
۳. ظهور قالب مثنوی برای ظهور عاطفه، اخلاق و عرفان

وضعیت نثر در قرن ۷

۱. گرایش به ساده‌نویسی مثال ← طبقات ناصری و مرصاد العباد
۲. پیچیده‌نویسی با محتوای عمدتاً تاریخ حاکمان وقت مانند «تاریخ و صاف» و «جهانگشای جوینی»

معروف‌ترین شاعران و نویسندگان قرن ۷

- (۱) **مولانا جلال الدین بلخی:** از شاخص‌ترین شاعران عارف در دو محور اندیشه و احساس
آثار: «مثنوی معنوی» و «دیوان شمس»

- (۲) **سعدی:** فرمانروای سخن که سی و پنج سال گرد جهان گشت.
آثار: ۱- «گلستان» به نثر مسجع ۲- «بوستان» در قالب مثنوی در اخلاق و حکمت به وجود آورد
۳- سرودن اشعار عاشقانه در بیشتر قالب‌های ادبی

- (۳) **فخرالدین عراقی:** صاحب غزل‌های عرفانی است.
۱- آثار: «مثنوی عشاق نامه» در مورد مباحث عرفانی
۲- «لمعات به نظم در مورد سیر و سلوک عارفانه است.

۴) نجم الدین رازی (معروف به نجم دایه):

از منشیان و نویسندگان توانا و از عارفان وارسته قرن هفتم است.

آثار: «کتاب مرصاد العباد الی المعاد» از اوست.

۵) عطا ملک جوینی: از نثر نویسندگان این دوره است.

آثار: «تاریخ جهانگشا» در شرح و ظهور چنگیز و فتوحات او، تاریخ خوارزمشاهیان، نثر کتاب مصنوع و دشوار است.

۶) خواجه رشیدالدین فضل الله همدانی

وی وزیر مقتدر غازان خان و اولجائیو بود.

آثار: «جامع التواریخ» به نثری عالمانه و پخته، اقدام مهم فرهنگی او تأسیس عمارت ربع رشیدی در تبریز

۷) شمس قیس رازی: اثر معروفش «المعجم فی معاییر اشعار العجم» از نخستین و مهم ترین آثار در علم عروض، قافیه و نقد

شعری است.

«قرن هشتم»**دلایل فرصت ابراز عقیده در مذاهب های مختلف**

۱. بی اعتقادی برخی از ایلخانان مغول

۲. بی تعصبی برخی دیگر نسبت به مذاهب رایج

* نکته:

۱- از بین رفتن دربارهای ادب دوست ایرانی تبار

۳- از رونق افتادن قصیده سرایی موجب سستی در شعر شد به جز شاعران: خواجه، حافظ

شاعران شاخص قرن هشتم هجری**۱) خواجه کرمانی: شاعری که غزل های او بر حافظ تأثیر گذاشته است.**

«استاد سخن سعدی است نزد همه کس، اما دارد سخن حافظ طرز غزل خواجه»

آثار: چند مثنوی به پیروی از پنج گنج نظامی سروده که نشان دهنده استادی او در شاعران است.

۲) ابن یمین: شاعر عصر سربداران که قدرت شاعری خود را در قطعات اخلاقی آشکار کرده است.

۳) **حافظ:** از شاعران سرآمد، او با تلفیق عشق و عرفان، غزل فارسی را به کمال رسانید. لحن او گزنده، طنز آمیز و سرشار از خیرخواهی است.
آثار: دیوان حافظ

۴) **سلمان ساوجی:** در عزل توجه خاصی به سعدی و مولوی داشته
آثار: مثنوی جمشید و خورشید

۵) **عبید زاکانی:** شاعر خوش ذوق با انتقادهای ظریف اجتماعی
آثار: ۱- منظومه موش و گربه: ناهنجاری‌های اجتماعی را به خصوص در دو طبقه حاکمان و قاضیان به شیوه تمثیل بیان کرده است. ۲- رساله دلگشا ۳- اخلاق الاشراف ۴- صد پند

۶) **حمدا لله مستوفی:** از مورخان مشهور ایران و نویسنده کتاب «تاریخ گزیده» است.
موضوع کتاب: تاریخ پیامبران، خلفای چهارگانه

«قرن نهم»

بعد از ویرانگری مغولان، ایران دستخوش حمله‌ی دیگری به وسیله تیمور گورکانی (لنگ) شد و آن چه پس از حمله مغول سالم یا نیمه سالم مانده (مثل فارس) از میان رفت. ویرانگری‌های تیموریان از نیمه دوم قرن ۸ تا اوایل قرن ۱۰ به طول انجامید و در این مدت کم و بیش از فرهنگ ایرانی تأثیر پذیرفتند و متمدن شدند و دست به خلق آثار هنری چون مینیاتور، معماری و تاریخ نویسی شدند.

* در زمان بایسنقر میرزا پسر شاهرخ، قرآن کریم و شاهنامه فردوسی به خط خوش کتابت شد.

معروف‌ترین شاعران قرن ۹

۱) **جامی:** معروف‌ترین شاعر این قرن
آثار:

- ۱- «بهارستان» را به تقلید از «گلستان» نوشت.
- ۲- «نفحات الانس» را به شیوه «تذکره الاولیای» عطار
- ۳- «مثنوی تحفه الابرار» را به پیروی از نظامی نوشت.

۲) **دولتشاه سمرقندی:**

آثار: تذکره دولتشاه: شرح احوال بیش از صد تن از شاعران ایرانی است. (از آغاز تا زمان مؤلف)

درس دوم:

«پایه های آوایی»

هروض چیست؟ علمی که قواعد وزن شعر و طبقه بندی وزن ها را از جنبه نظری و عملی تعیین می کند «عروض» نامیده می شود.

واحد وزن در شعر فارسی «مصرع» است، وقتی شاعر مصرع اول را سرود، بقیه مصرع ها را باید در همان وزن بسراید.

خط عروضی چیست؟ شعر را همان گونه که می خوانیم یا می شنویم بنویسیم.

❖ نکاتی در نوشتن شعر به خط عروضی:

(۷) همزه ماقبل صامت ساکن در خواندن حذف می شود. مثال: سَ / رَن / جام = سَ / رَن / جام

مثال ۲: بنی آدم اعضای یکدیگرند = بَ / نِ / آ / دَ / مَع / ضَا / یِ / ...

(۸) آن طور که می خوانیم کلمات (هجاها) جدا می شوند. مثال: خواهر = خَا / هَر

(۹) «ن» ساکن بعد از مصوت های بلند حذف می شود. مثال: جَانُ = (-)

(۱۰) در خط عروضی باید حرکات (مصوت های کوتاه) گذاشته شود.

مثال: ای چَشْمُ چراغِ اَهلِ بَینش

(۱۱) حروفی که در خط است اما به تلفظ در نمی آید، در خط عروضی حذف می شود.

مثال: می نویسیم ← هر چه بَر نفس خویش نپسندی

به خط عروضی می نویسیم ← هر چِ بَر نفس خیش نپسندی

(۱۲) حروف مشدد را دو بار می نویسیم مانند «عَزَّت» ← عِزَزَتْ

❖ تقطیع هجایی:

«تقطیع» یعنی قطعه قطعه کردن شعر به هجاها و ارکان عروضی

پس برای تقطیع:

شعر را به صورت خط عروضی و هجا هجا نوشته و مرز هر هجا را با خط عمودی کوتاهی مشخص می کنیم، سپس علامت

هر هجا را، زیر آن می نویسیم.

مثال: بشنو از نی چون حکایت می کند / از جدایی ها شکایت می کند

خط عروضی:

بش	نُ	از	نی	چُن	ح	کا	یت	می	کُ	نَد
-	U	-	-	-	U	-	-	-	U	-
از	جُ	دا	یی	ها	شِ	کا	یت	می	کُ	نَد
-	U	-	-	-	U	-	-	-	U	-

با خوانش درست شعر، به درنگ منظم آن پی می بریم. خانه هابه گونه ای منظم کنارهم چیده شده اند. به هریک از این خانه ها که برش آوایی ایجاد کرده اند: **پایه** یا **رکن عروضی** گویند. **وزن** شعر در حقیقت حاصل چینش به سامان این پایه های آوایی یا ارکان عروضی است.

درس سوم:

« تشبیه »

۱- تشبیه:

یعنی مانند کردن هر چیزی به چیز دیگر که دارای صفات مشترکی هستند.

هر تشبیه چهار رکن دارد:

- ۱- مشبه: کلمه ای که آن را به کلمه ای دیگری تشبیه می کنیم.
 - ۲- مشبه به: کلمه ای که کلمه ای دیگر به آن تشبیه می شود.
 - ۳- ادات تشبیه: کلماتی هستند که نشان دهنده پیوند شباهت می باشند و عبارتند از: همچون، چون، مثل، به سان، شبیه، نظیر، همانند، به کردار و ...
 - ۴- وجه شبه: صفت یا ویژگی مشترک بین مشبه و مشبه به می باشد. (دلیل شباهت)
- مثال: کم گوی و گزیده گوی چون در

ابیات نمونه

خوشم به زندگی تلخ همچو می، ورنه / برون چو رنگ از این شیشه می توانم زد

ز تاب آتش سودای عشقش / بسان دیگ دلم می زند جوش

دانا چو طبله عطار است خاموش و هنرنمای

انواع تشبیه فشرده (بلیغ):

اگر وجه شبه و ادات تشبیه از تشبیه حذف شوند، به آن تشبیه فشرده گویند.

الف) فشرده **اضافی** که در درس دستور به آن اضافه تشبیهی گویند. آن است که یکی از طرفین تشبیه (معمولاً مشبه و گاهی مشبه به) بر دیگری اضافه می شود. (رابطه مشبه و مشبه به = مضاف و مضاف الیه) می باشد.

مثال: درخت دوستی بنشان که کام دل به بار آرد / درخت دشمنی برکن که رنج بی شمار آرد

ابیات نمونه:

لیلی سر زلف شانه می کرد / مجنون در اشک دانه می کرد

دست از مس وجود چومردان ره بشوی / تاکیمیای عشق بیابی وز رشوی

ب) **پدیده اسنادی** (مشبه + مشبه به + فعل اسنادی)

مثال ۱: علم نور است. مثال ۲: توسرو جویباری، تولاله بهاری / تو یار غمگساری، تو حور دلربایی

هرج (تفضیل، برتر): هر گاه مشبه را به نوعی بر مشبه به برتری بدهیم، تشبیه مرجع صورت می پذیرد.

مثال: رنگ از عارض گلگون تو گیرد لاله / بوی از طره‌ی مشکین تو دارد عنبر

در این بیت، مشبه (معشوق شاعر) بر مشبه به برتری داده شده است.

درس چهارم:

«سبک عراقی (قرون ۸ و ۷)»

❖ ویژگی‌های سبک عراقی در شعر

۱. زبانی

۱- چهار چوب زبان (سبک خراسانی) است.

۲- لغات اصیل فارسی کم شده و لغات عربی جای آن را گرفته

۳- «می»، «در» به جای «همی»، «آندر» جایگزین شد.

۴- نشانه مفعول تأکیدی «مر» کم شد.

۲. ادبی

۱- سرودن غزل و استفاده از تخلص، بی رونقی قصیده

۲- توجه به علوم ادبی از جمله «بیان» و «بدیع»

۳. فکری

۱- متعالی شدن عشق زمینی به عشق الهی تا آن جا که با معبود یکی می شود.

۲- رواج بیشتر تصوف به دلیل حمله مغول و خدشه دار شدن غرور و احساسات ملی ایرانیان

۳- پرهیز از زهد ریایی، توجه به صفا و پالایش درون

* مقایسه ویژگی‌های فکری سبک خراسانی و عراقی

خراسانی	عراقی
ستایش خرد	عشق
شادی گرایی	غم گرایی
وصال	فراق
واقع گرایی	ذهن گرایی
رواج روحیه پهلوانی	روحیه عرفانی و اخلاق
باور به اختیار و اراده	باور به قضا و قدر
زمینی بودن معشوق	آسمانی بودن
بازتاب اندک علوم در شعر	بازتاب بیشتر علوم

❖ ویژگی‌های سبک عراقی در نثر:

۱. قلمر زبانی:

- ۱- جایگزینی نثر ساده به جای نثر فنی
- ۲- رواج تاریخ نویسی به اسلوب ساده
- ۳- وارد شدن لغات ترکی و مغولی به فارس
- ۴- ضعیف شدن ساخت دستوری

۲. قلمرو ادبی:

- ۱- سقوط بغداد به دست هلاکو، زبان عربی نفوذش در فارسی کم شد.
- ۲- در صنایع ادبی بیشتر به ظاهر سازی متن پرداختند.

۳. قلمرو فکری:

- ۱- به علت کشتن یا متواری ساختن فضلا و نابودی کتابخانه‌ها، ضعف و انحطاط فکری به وجود آمد.
- ۲- به دلیل نبودن اساتید بزرگ و حوزه‌های علمی، تحقیق به سستی رفت.
- ۴- به دلیل کنار آمدن مدعیان عرفان با مغولان، عرفان اصالت خود را از دست داد و کتب معتبر عرفانی به وجود نیامد.

⇐ پرسش‌های چهارگزینه‌ای درس چهارم

درس ششم:

« مجاز »

حقیقت: اولین و رایج ترین معنایی است که از یک واژه به ذهن می رسد.

۴- مجاز:

مجاز یا شیوه‌ی بیان مجازی عبارت است از به کارگیری واژه و سخن در معنای دیگر و غیر واژگانی آن. در شیوه بیان مجازی به طور معمول بین معنای حقیقی و معنای مجازی کلمه یا کلام رابطه و پیوندی برقرار است (**علاقه**) و نیز قرینه به شکل لفظی یا معنوی به کاربرد مجازی کلمه یا سخن اشاره دارد.

مثال: سر آن ندارد امشب که برآید آفتابی / چه خیال‌ها گذر کرد و گذر نکرد خوابی

در این بیت واژه‌ی سر در معنای «تفکر و قصد و اندیشه» به کار رفته است، لذا دارای معنای غیر حقیقی است.

ابیات نمونه:

کس به چشمم در نمی آید که گویم مثل اوست / خود به چشم عاشقان صورت نبندد مثل دوست (مجاز از نگاه)

دل ندانم به خندنگ که به خون خفت ولی / آنقدر هست که مژگان تو خون آلود است (مجاز از تیر)

عجب از چشم تودارم که شبانش تا روز / خواب می گیرد و شهری زغمش بیدارند (مجاز از مردم شهر)

چو خامه هر که حدیث دل آورد به زبان / طمع مدار که سر به سر زبان نکند (مجاز از قصد و اندیشه)

درس هفتم:

« تاریخ ادبیات قرون ۱۱۰۰ »

❖ قرن دهم

در این قرن حکومت در دست جانشینان تیمور بود و اوضاع اجتماعی و سیاسی ایران آشفته شده بود.

* دو چهره‌ی شعر در قرن دهم:

- ۱- شعر لطیف و فصیح باباغانی که به طور طبیعی، شعر حافظ را به سبک هندی می‌کشاند.
- ۲- مکتب وقوع: نتیجه چاره‌اندیشی شاعران برای تغییر سبک زندگی و رهایی از تقلید

* سبک عراقی در نیمه دوم قرن دهم چگونه آغاز شد؟

در این دوره به اوج خود رسید و شاعران تشخیص دادند که این سبک از واقعیت دور شده و کاملاً جنبه تخیلی و ذهنی یافته است.

* علت روی آوردن شعرا به دربار هند چه بود؟

- ۱- بی توجهی شاهان صفوی نسبت به شاعران
- ۲- به عکس شاعر نوازی سلاطین هند؛ که منجر می‌شود از فرهنگ ایرانی تأثیر بپذیرد. تا آنجا که فضلا و شاهان هندی به فارسی سخن می‌گفتند.
- * مادر شهر: همزمان با رشد ادبیات در هند اصفهان نیز پایتخت و محل اجتماع شعرا شد و به مادر شهر لقب یافت.

* زبان فارسی در دوره صفویان چه موقعیتی داشت؟

هر چند شاهان صفوی در ترویج و نفوذ زبان ترکی به ایران نقش بسزایی داشتند اما کم و بیش به زبان فارسی نیز کتاب نوشته یا شعر گفته‌اند.

* شهرهایی که در حوزه شعر و ادب رشد و توسعه یافتند عبارتند از:

- ۱- اصفهان ۲- خراسان ۳- آذربایجان ۴- نواحی مرکزی ایران

* عواملی که باعث شد به طور کلی شعر و شاعری و هنر معماری در زمان صفویه مورد توجه قرار گیرد:

- ۱- علاقه آنها به سرودن و خواندن شعر فارسی
- ۲- برخی از شاهان صفوی مقام شیخی و رهبری طریقت داشتند و از این رو لازم می‌دانستند خود را در چنین مقام فرهنگی نگاه دارند.
- ۳- شاهان صفوی با روسای مذاهب در تماس نزدیک بودند.
- ۴- شاهان صفوی رقاباتی چون شاهان عثمانی و هندی داشتند که آن‌ها نیز به مسائل فرهنگی توجه نشان دادند.

❖ از مناهخ هز قرن دهه:

- ۱- بهزاد (دوره شاه اسماعیل) ۲- رضا عباسی (در دوره شاه عباس)

❖ شاهزاد معروف قرن دهه:

«بابا فغانی شیرازی، وحشی بافقی، محتشم کاشانی»

- ۱- بابا فغانی شیرازی: از شعرای تأثیرگذار که شعرش دقیق و ظریف است.
 ۲- وحشی بافقی: سبک شعرش حد واسط دوره عراقی و دوره هندی است و واقع گرایي شاخصه آن است.
 ۳- محتشم کاشانی: در سرودن شعر مذهبی معروف و ترکیب بند عاشورایی او زبانزد است.
 «باز این چه شورش است که در خلق عالم است باز این چه نوحه و چه عزا و چه ماتم است»

قرن یازدهم:

با روی کار آمدن مذهب شیعه و رسمی شدن آن در زمان صفوی، به شعر ستایشی و درباری و عاشقانه بی توجهی شد و شاعران سروده‌های خود را با مضامین پند و اندرز بیان کردند.

❖ دلایلی که باعث شد طبقات و گروه‌های بیشتری در قرن یازدهم مدعی شعر و شاعری شوند:

- ۱- وابسته نبودن شعر به دربار
 ۲- از بین رفتن طبق مدیحه سرایان درباری

❖ معروف‌ترین شاهزاد قرن ۱۱:

- ۱- کلیم کاشانی: به دلیل خلق معانی و خیال‌های رنگین به ویژه غزل‌های لطیف، به او «خلاق المعانی ثانی» می گفتند.
 ۲- صائب تبریزی: معروف‌ترین شاعر سبک هندی
 ۳- بیدل دهلوی:

* او را به سبب سرودن غزل‌های خیال انگیز و به کار بردن مضمون‌های بدیع و گاه دور از ذهن می شناسیم.
 * از ویژگی‌های عمده شعر بیدل (مضمون‌های پیچیده، استعاره‌های رنگین و خیال انگیز) می باشد.

⇐ پرسش‌های چهار گزینه‌ای درس هفتم

درس نهم:

«استعاره»

- استعاره:

اصل استعاره بر تشبیه استوار است و به دلیل این که در استعاره فقط یک رکن از تشبیه ذکر می شود و خواننده را به تلاش ذهنی بیشتری وا می دارد، لذا استعاره از تشبیه رساتر، زیباتر و خیال انگیزتر است.

الف) استعاره‌ی مصرحه (آشکار): آن است که «مشبه به» ذکر و «مشبه» حذف گردد.

مثال: ای آفتاب خوبان می جوشد اندرونم / یک ساعت بگنجان در سایه‌ی عنایت

توضیح: «آفتاب خوبان» استعاره برای معشوق است. «آفتاب خوبان» «مشبه به» که ذکر شده و معشوق «مشبه» حذف شده است.

ابیات نمونه:

در دل نهم ره پس از این مهر بتان را / مهر لب او بر در این خانه نهادیم (استعاره از معشوق، استعاره از قلب معشوق)

اگر ز طعنه‌ی عاجز کشی نیندیشیم / به قلب چرخ جفا پیشه می توانم زد (استعاره از آسمان)

صدف وار گوهرشناسان را / دهان جز به لؤلؤ نکردند باز (استعاره از سخنان نیکو)

بگو که جان عزیزم زدست رفت خدا را / ز لعل روح فزایش ببخش آن که تو دانی (استعاره از لب)

ای لعبت خندان، لب لعلت که مزیده است / وی باغ لطافت به رویت که گزیده است (استعاره از معشوق)

ب) استعاره مکنیه (پنهان): آن است که «مشبه» به همراه یکی از لوازم و ویژگی «مشبه به» ذکر گردد و خود «مشبه به» حذف شود. (ویژگی مشبه به + مشبه) مثال: شاخه معرفت - جرقه عشق - بارش مهر

* استعاره مکنیه خود به دوشکل درجمله پدیدار می شود:

۱- به صورت جمله عادی. مثال: به صحرادم عشق باریده بود.

مشبه ویژگی باران

۲- به صورت ترکیب اضافی که در درس دستور به آن اضافه استعاری گویند.

ابیات نمونه: (اضافه‌ی استعاری)

گردد از دست نوازش پایهی معنی بلند / مور را شیرین سخن دست سلیمان کرده است

کوس ناموس تو بر کنگره‌ی عرش زدیم / عَلم عشق تو بر بام سماوات بریم

دیده عقل مست تو چرخه‌ی چرخ پست تو / گوش طرب به دست تو بی تو به سر نمی شود

درس دهم:

« سبک هندی قرون »

همانطور که در درس قبل گفتیم سبک هندی به مدت ۱۵۰ سال رواج داشت و حکومت صفوی بهایی به شعر مدحی و درباری و عاشقانه نمی داد، از این رو شاعران به موضوع‌هایی مثل اندرز، مضمون آفرینی و باریک اندیشی روی آوردند. شعر از حوزه تصرف شاعران با سواد به فنون ادبی خارج شد و در دسترس مردم عادی قرار گرفت.

* خارج شدن شعر از تصرف شاعران با سواد و در دسترس مردم عادی قرار گرفتن چه امتیاز خوب و بدی داشت؟

۱- سودمندی: شعر با مضمون‌ها و قلمروهای تازه رو به رو شد.

۲- زبان درباری: شعر از استواری و سلامت پیشین خود دور شد و این امر زبان بار بود.

* ویژگی‌های شعر سبک هندی در سه قلمرو زبانی، ادبی و فکری

۱- قلمرو زبانی: الف) روی آوردن طبقات مختلف مردم به شعر، باعث شد شعر کوچه بازاری به وجود بیاید.

ب) دایره واژگان شعر گسترش یافت و بسیاری از لغات قدیم از صحنه شعر رخت بر بستند، به طوری که زبان شعر سبک هندی زبان جدید فارسی است.

* دلایل حذف مختصات سبکی زبان قدیم در قرن ۱۱ چه بوده؟

الف) حملات بیگانگان (مغولان، تیموریان و ازبکان) به ایران که به نابودی کتابخانه‌ها و آثار کهن انجامید.

ب) تغییر جغرافیایی حوزه‌های شعری در نقاط مختلف ایران و تأثیر پذیرفتن از زبان‌های نواحی گوناگون بود.

۲) ورود لغات مربوط به مذاهب و آداب و رسوم هندوان در حوزه شعر و ادب است.

۳) به علت از بین رفتن سلطه حکومت بغداد، لغات عربی کم شد و از سوی دیگر حملات تیموریان و ازبکان، به رواج لغات ترکی انجامید.

۲- قلمرو ادبی:

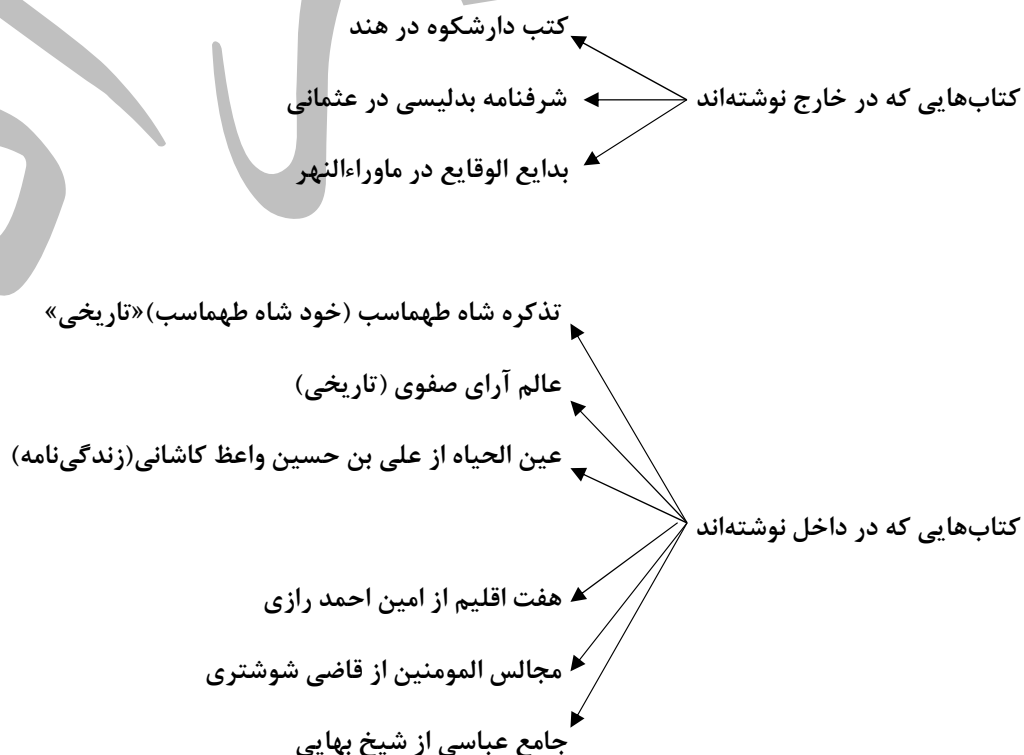
۱. در سبک هندی به دلیل کم توجهی شاعران کوچه و بازار به آرایه‌های ادبی، و استفاده ضعیف از برخی آرایه‌های همچون (تشبیه، تلمیح، حسن تعلیل، حس آمیزی، تمثیل و اسلوب معادله) شعری ضعیف از نظر آرایه به وجود آمده است.
۲. هر چند قالب مسلط غزل است، اما گاه غزلی با ۴۰ بیت می‌توان یافت.
۳. تکرار قافیه و استفاده از ردیف‌های طولانی رایج است.

۳- قلمرو فکری:

۱. شعر هندی شعری معناگراست نه صورت‌گرا یعنی شاعران بیشتر به معنی توجه دارند نه به زبان و آرایه‌ها. شاعران به دنبال مضمون سازی از هر چیزی در عالم طبیعت هستند.
۲. شعر در سبک هندی بیشتر در تک بیت خلاصه است و نهایت این که تحسین و اعجابی را در حد آن بیت برمی‌انگیزد.
۳. کار شاعران سبک هندی ترجمه مطالب فلسفی و عرفانی و غنایی گذشتگان است.

انواع نثر دوره هندی:

۱. نثر ساده (موسل): لغات و ترکیبات عربی و اشاره به آیات و احادیث و درآمیختگی شعر و نثر کم نیست مانند: نثر بلعمی



۲. **نثر مصنوع:** در دوره صفویه از نثر مصنوع در فرمان‌ها و منشآت و دیباچه کتاب‌ها استفاده می‌شد. از کتبی که به این شیوه نوشته شده‌اند می‌توان از عباس نامه وحید قزوینی و محبوب القلوب میرزا بر خوردار رفاهی نام برد.

۳. **بینابین:** نه چندان ساده و نه چندان دشوار، از کتاب‌های معروف نثر بینابین «حبیب السیر» از خواند میر و «احسن التواریخ» از حسن بیک روملو است.

❖ ویژگی‌های نثر سبک هندی:

الف) قلمرو زبانی:

- ۱- در آمیختگی نظم و نثر
- ۲- آوردن جملات طولانی
- ۳- فراوانی لغات ترکی و مغولی
- ۴- آوردن تتابع اضافات (واج آرایی کسره)
- ۵- مطابقت صفت و موصوف به تقلید از عربی
- ۶- جمع بستن با «ات» در کلمات عربی و هم در فارسی

ب) قلمرو ادبی:

- ۱- نثر این دوره از دیدگاه ادبی ارزش والایی ندارد، زیرا به زان عامیانه نزدیک‌تر است.
- ۲- انحطاط ادبی در این زمان از دوره تیموری هم بیش‌تر شده است.
- ۳- استفاده از آیات و احادیث و عبارات عربی رواج دارد.

* عواملی که سبک هندی را از رونق انداخت:

- ۱- رواج کاربرد شعرهای ضعیف در متن کتاب‌های نثر
- ۲- بی دقتی در ذکر تاریخ و حوادث تاریخی
- ۳- رواج مدح و چاپلوسی

ج) قلمرو فکری:

به دلایل فساد و تیره بختی، کشتار مردم، فرار دسته جمعی با ذوق از بیم تیغ استبداد به خارج از ایران یا کشته شدن و مردن آنان از گرسنگی و فقر بیانگر آن است که در عصر اعتلای صفوی (شاه عباس اول) ایران از نویسندگان قوی دست خالی است.

درس یازدهم:

«پایه های آوایی همسان دولختی»

رُکن عروض چیست؟ با خوانش درست شعر، به درنگ منظم و یکنواختی که بعد از هر دسته از هجاها وجود دارد، پی می‌بریم. خانه‌ها به گونه‌ای منظم کنار هم چیده شده‌اند به هر یک از این خانه‌ها که برش آوایی ایجاد کرده‌اند، پایه یا رکن عروضی می‌گویند.

مثال:

ای سا ر بان	آ هِس تِ ران	کا را مِ جا	نم می رَ وَد
وان دِل کِ با	خُد داشِ تم	با دِل سِ تا	نم می رَ وَد

* **په هر خانه یک رکن عروضی می‌گویند.**

وزن شعر در حقیقت حاصل چینش به سامان این پایه‌های آوایی یا ارکان عروضی است.

❖ در سرودن شعر پایه‌های آوایی (رکن) به شکلی هماهنگ در پی هم می‌آیند. به بیان دیگر، می‌توان پایه‌ها را به دسته‌های منظم بخش کرد. و ساده‌تر این است که هر یک از این پایه‌ها معادل آوایی هر یک از آنها را بیاوریم. معادل‌ها و نمادهای آوایی این پایه‌ها را «وزن واژه» یا «اسم رکن» می‌نامیم.

«جدول اوزان شعر فارسی برای علوم و فنون ۲»

فاعلاتن	-- U--	فعلاتن	-- UU	فاعِلن	- U-
مفاعیلن	--- U	مفعولُ	U --		
مستفعلن	- U --	مفتعلن	- UU -		
فعولن	-- U				

* **پیداآوری:**

در نوشتن شعر به خط عروضی (هجایی) رعایت چند نکته لازم است:

- همزه ماقبل صامت (ساکن) در خواندن حذف می‌شود. مثال سرانجام: سَ / رَن / جام
- آن طور که می‌خوانیم هجاها را جدا می‌کنیم. مثال ۱- خواهر: خا / هَر مثال ۲- چه دلی: چَ / دِ / الی
- «ن» ساکن بعد از مصوت‌های بلند حذف می‌شود. مثال: جان دین
(-) (-)

۴. هر هجا را با خط عمودی مانند مثال‌های بالا جدا می‌کنیم.

* توجه شود در هر ستون حداکثر یک هجای بلند داریم.

۵. حال علامت‌های هر هجا را (خوشه‌های هجایی) می‌نویسیم.

۶. طبق جدول (اوزان عروضی) وزن معادل هر هجا را می‌نویسیم.

۷. برای به دست آوردن وزن هجاها بهتر است به روش زیر عمل کنیم.

۱- چهار تا چهار تا

۲- سه تا سه تا

۳- چهار تا سه تا

۴- سه تا چهار تا

حال چند مثال:

مثال ۱: روزگار است این که گه عزّت دهد گه خوار دارد / چرخ بازیگر از این بازیچه‌ها بسیار دارد

پایه‌های آوایی	رو زِ گار رَس	تین کِ گِه عز	زَت دَ هَد گِه	خا ر دا رَد
خوشه‌های هجایی	- - U -	- - U -	- - U -	- - U -
	چ ر خ با زی	گ ر اَ زین با	زی چِ ها یِس	یا ر دا رَد
	- - U -	- - U -	- - U -	- - U -
وزن واژه	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن

مثال ۲: خدایا به خواری مران از درم / که صورت نبندد دری دیگرم

پایه‌های آوایی	خُ دا یا	بِ خا ری	مَ را نَز	دَ رَم
خوشه‌های هجایی	- - U	- - U	- - U	- U
	کِ صو رَت	نَ بَن دَد	دَ ری دی	گَ رَم
	- - U	- - U	- - U	- U
وزن واژه	فعولن	فعولن	فعولن	فعل

❖ ارکان به شکل زیر است:

۱. ترکیب همسان: مثال: فعولن فعولن فعولن فعولن

۲. دو لختی (همگون): مثال: مفعول مفاعیلن مفعول مفاعیلن

۳. ترکیب ناهمسان (ناهمگون): مثال: مفعول مفاعیلن مفاعیلن فع

❖ **وزن دووقتی (دوری):** وزن این شعر از تکرار یک پایه همسان، حاصل شده است بلکه یک پایه، یک در میان تکرار شده است. در اینجا هر مصراع به دو پاره تقسیم می شود. موسیقی و آهنگ پاره دوم، تکرار همان موسیقی پاره نخست است.

۱. هر مصراع از دو قسمت با مکثی بالفعل می باشد.

مثال: سلسله موی دوست، حلقه دام بلاست / هر که در این حلقه نیست، فارغ از این ماجراست

وزن: مفتعلن فاعلن مفتعلن فاعلن

۲. همان طور که ملاحظه می کنید وزن دوری از ارکان متناوب (غیر همسان) درست می شود نه از تکرار یک رکن

۳. هجای پایانی نیم مصراع همیشه بلند است. طبق مثال شماره ۱ که فاعلن شده است.

۴. هجاهای هر مصراع زوج است و معمولاً نیم مصراع هفت یا پنج هجا دارد.

مثال: مفتعلن مفاعلن / مفتعلن مفاعلن

$$\begin{array}{c} \text{--U--} / \text{--UU--} \quad \text{--U--} / \text{--UU--} \\ \underbrace{\hspace{1.5cm}} \quad \quad \quad \underbrace{\hspace{1.5cm}} \\ 7 \quad \quad \quad 7 \end{array} + = 14$$

درس دوازدهم:

« کنایه »

- کنایه:

اگر به جای نام بردن مستقیم از یک چیز، از چیزی که یادآور آن باشد نام ببریم، از آرایه‌ی ادبی کنایه استفاده کرده‌ایم. همه‌ی ضرب‌المثل‌ها کنایه هستند.

ابیات نمونه:

هنوز از دهن بوی شیر آیدش / همی رای شمشیر و تیر آیدش

ساحلی نیست به جز شستن دست از جانش / آن که سیلاب ز پی دارد و دریا در پیش (کنایه از صرف نظر کردن)

هر که زین رهگذرش پای فرو رفت به گل / میل آن سرو خرامان نکند چون نکند (کنایه از گیر افتادن)

اگرها باشدت ای خسرو شیرین دهنان / گر نگاهی سوی فرهاد دل افتاده کنی